



بررسی موضوع مهاجرت به تهران با استفاده از روش تحلیل لایه لایه علی

علی‌اله قنبری

دانشجوی دوره دکتری آینده پژوهی

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۲۴

چکیده

موضوع جمعیت تهران و ورود مهاجران جدید به آن همواره یکی از مسائل دولتمردان، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان بوده است. به گونه‌ای که از دهه‌های میانی سده حاضر این امر همواره یکی از دلمشغولی‌ها بوده و موضوع را به عنوان تهدیدی برای مسائل اجتماعی، زیست محیطی، بهداشتی، آمادگی در برابر بحرانها و ... مورد توجه جدی قرار داده‌اند. با این حال اقداماتی که تاکنون در جهت جلوگیری از افزایش جمعیت تهران صورت گرفته، نتوانسته است موفقیتی را بدست آورد و علی‌رغم همه فعالیت‌های مذکور مشکل جمعیت و مهاجرپذیری تهران همواره وجود داشته است. در این مقاله با استفاده از تحلیل لایه لایه علی به عنوان یک روش آینده‌پژوهی جهت شکافتن لایه‌های مختلف که به موضوع افزایش مهاجرت به تهران دامن می‌زنند، سناریوهای مختلفی برای آینده در نظر گرفته می‌شود. در این راستا بر اساس تحلیل‌های مربوط به لایه‌های پایین‌تر و با توجه به میزان عدم قطعیت و اهمیت، دو پیشران «الگوی توسعه» و «جهت‌گیری فرهنگی» شناسایی شده و براساس آنها سناریوهای مورد نظر طراحی گردیدند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل لایه لایه علی، ساختارشکنی، سناریو، لیتانی، علل سیستمی، گفتمان/ جهان‌بینی، استعاره/ اسطوره.

۱- مقدمه

در طی سال‌های اخیر مسأله جمعیت تهران همواره توسط برخی از مسئولین، کارشناسان و متخصصان حوزه‌های مختلف در محافل رسمی و رسانه‌های جمعی مطرح گردیده و عمده افراد مذکور استدلال نموده‌اند که شهر تهران در شرایط موجود نه تنها ظرفیت پذیرش مهاجران جدید را ندارد بلکه تکافوی نیازهای وضعیت جمعیتی موجود را هم ندارد و تهران با مسائلی از قبیل آلودگی هوا، ترافیک، کمبود فضای پارکینگ، کمبود مسکن و بالا بودن هزینه خرید یا اجاره آن، کمبود فضای سبز و ... دست به گریبان است. همچنین مسأله میزان آمادگی تهران در شرایط بحرانی نظیر زلزله و آسیب‌پذیری آن از دیگر دغدغه‌های مسئولین می‌باشد. به همین خاطر با یک مرور مختصر در مطبوعات و روزنامه‌ها به راحتی می‌توان دریافت که مسأله جمعیت تهران یکی از موضوعات نسبتاً ثابت آنها می‌باشد. علاوه بر این در طی سالهای گذشته طرحهای مختلفی نیز در مراجع رسمی نظیر مجلس شورای اسلامی و هیأت دولت در خصوص کاهش جمعیت تهران ارائه گردیده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- تصویب قانون در خصوص ممنوعیت استخدام در تهران (سال ۱۳۳۷)
- معافیت مالیاتی پنج‌ساله صنایعی که در استانهای دیگر یا خارج از محدود ۱۲۰ کیلومتری شهر تهران استقرار یابند و اعطای برخی تسهیلات بانکی برای اینگونه صنایع (اوایل دهه ۱۳۴۰)
- تصویب‌نامه هیأت وزیران مبنی بر ممنوعیت ایجاد صنایع تولیدی تا شعاع ۱۲۰ کیلومتری شهر تهران (سال ۱۳۴۶)
- ایجاد قطب‌های صنعتی در سایر مناطق کشور نظیر تبریز، اصفهان، قزوین، اراک و ...
- تصویب قوانین مربوط به ایجاد شرکت شهرک‌های صنعتی در شهرهای کوچک و مناطق محروم (سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۲)
- تصویب آیین‌نامه ایجاد تسهیلات جهت شاغلین دولتی متقاضی انتقال از تهران و کلانشهرها به سایر شهرهای کشور (سال ۱۳۸۶)

- تصویب آیین‌نامه اعطای تسهیلات به کارکنان دستگاه‌های اجرایی متقاضی انتقال از شهر تهران (سال ۱۳۸۸)
- تصویب قانون امکان‌سنجی انتقال مرکز سیاسی و اداری کشور و ساماندهی و تمرکززدایی از تهران (سال ۱۳۹۴)

موارد فوق تنها منحصر به بخشی از طرح‌ها و سیاست‌های مراجع رسمی در خصوص کاهش جمعیت و به عبارتی سبک کردن شهر تهران بوده است و اگر به فعالیت‌های مذکور، فعالیت‌های مطالعاتی، تحقیقاتی و اجرایی دیگر صورت گرفته توسط سازمان‌های دولتی و بخش غیر دولتی را اضافه نماییم، در می‌یابیم که یکی از مهم‌ترین مسائل بوده است. از طرفی نیز ملاحظه می‌گردد که با وجود اتخاذ برخی تصمیمات اجرایی توسط دولت از سال ۱۳۳۷ تا کنون، نه تنها این تصمیمات نتوانسته است از پدیده مهاجرت به تهران و افزایش بی‌رویه جمعیت آن جلوگیری نماید، بلکه در بیشتر مقاطع زمانی شاهد افزایش نرخ مهاجرت به تهران هستیم و این امر نشان از ناتوانی و شکست نسبی سیاست‌ها و تصمیمات اتخاذ شده و اقدامات صورت گرفته در این زمینه دارد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که موضوع باید به شکل عمیق‌تری مورد تحلیل قرار گرفته و سطوح دیگری را جهت سیاست‌گذاری و اتخاذ استراتژی مورد هدف قرار داد.

برای این منظور باید ابزارهای مناسبی انتخاب گردد تا با بررسی همه جانبه و عمیق موضوع نسبت به پیش‌بینی تدبیری ابعاد مختلف موضوع و نتایج احتمالی راهکارها و استراتژی‌ها در آینده اقدامات موثری صورت گیرد. یکی از مناسبترین ابزارها برای تحلیل دقیق‌تر موضوع و پیش‌بینی آینده‌های مختلف در خصوص این موضوع، استفاده از روش «تحلیل لایه لایه علی»^۱ است.

بررسی روش‌شناختی تحلیل لایه لایه علی

- **تعریف تحلیل لایه لایه علی**
روش تحلیل لایه لایه علی به عنوان روش و نظریه تحقیقاتی نسبتاً جدید توسط آقای سهیل عنایت‌اله (۲۰۰۴) ایجاد و معرفی گردید و به عنوان یک نظریه به

دنبال ترکیب و یکپارچه‌سازی دیدگاه‌های تجربی، تعبیری، انتقادی و یادگیری حین عمل است. کاربرد آن به عنوان یک روش به معنای پیش‌بینی آینده نیست بلکه به معنای خلق فضاهای تحول ساز برای خلق آینده‌های بدیل است و احتمالاً در توسعه یک سیاست مؤثرتر، عمیق‌تر، جامع‌تر و بلندمدت‌تر مفید است (عنایت اله، ۱۳۸۸، ص ۱۰). تحلیل لایه لایه علی یک متدولوژی است که به دنبال کاوش در زیر نشانه‌های ظاهری و سطحی یک موضوع برای کشف بنای سیستمی، ساختاری و جهان‌بینی آن موضوع است. این روش اجازه حفاری در زیر گزارش سطحی احساسات و واکنشها برای کشف دیدگاه‌ها و بینش‌هایی که اغلب ناخودآگاه و بیان نشده هستند و موضوع مورد نظر را تحت تأثیر قرار داده و هدایت می‌کنند را می‌دهد و بدین ترتیب اجازه می‌دهد که طیفی از معانی مرتبط با موضوع مورد شناسایی قرار گیرد و موضوع را در داخل یک ساختار اجتماعی گسترده‌تر که در دورن آن احساس و تجربه می‌شود، قرار می‌دهد (Conway, 2012). به طور کلی تحلیل لایه لایه علی یکی از موفق‌ترین ابزارهای جدید در دسترس است و به طور وسیعی استفاده می‌شود. زیرا این روش فرصتهای زیادی را برای انعکاس، درک و تفکر جدید فراهم می‌نماید. از نقطه نظر ترکیبی، این روش تمایل به تأکید کم بر توسعه درونی فردی و تأکید زیاد بر عوامل فرهنگی دارد (Slaughter, 2008). لایه‌بندی به طور بالقوه می‌تواند منجر به بالاترین کیفیت آینده‌نگاری شود. لایه‌ها به این خاطر مهم هستند که ابعاد چندگانه‌ای برای واقعیت اجتماعی وجود دارند که در سطوح معرفت‌شناختی مختلف عمل می‌نمایند. برخی از این سطوح کم عمق و برخی دیگر عمیق هستند. به جای تمرکز بر درستی و نادرستی، سطحی بودن و عمقی بودن توصیف‌گرهای اصلی می‌شوند (Inayatullah, 2012). این روش که در گفتمان نوپدید آینده‌پژوهی قرار دارد، تا حد زیادی ناشی از پسا‌ساختارگرایی، تاریخ کلان و نظریه چند فرهنگی پسااستعماری است. این روش به دنبال حرکت در فراسوی سطح ظاهری تحقیقات متعارف علوم اجتماعی و روش‌های پیش‌نگری است چرا که این روش‌ها در اغلب موارد قادر به شکافتن و طرح مسایل گفتمان‌ها، جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها نیستند و نمونه آرمانی، اسطوره‌ها و استعاره‌ها را بیان نمی‌کنند. (عنایت اله، ۱۳۸۸، ص ۱۰)

دنبال ترکیب و یکپارچه‌سازی دیدگاه‌های تجربی، تعبیری، انتقادی و یادگیری حین عمل است. کاربرد آن به عنوان یک روش به معنای پیش‌بینی آینده نیست بلکه به معنای خلق فضاهای تحول ساز برای خلق آینده‌های بدیل است و احتمالاً در توسعه یک سیاست مؤثرتر، عمیق‌تر، جامع‌تر و بلندمدت‌تر مفید است (عنایت اله، ۱۳۸۸، ص ۱۰). تحلیل لایه لایه علی یک متدولوژی است که به دنبال کاوش در زیر نشانه‌های ظاهری و سطحی یک موضوع برای کشف بنای سیستمی، ساختاری و جهان‌بینی آن موضوع است. این روش اجازه حفاری در زیر گزارش سطحی احساسات و واکنشها برای کشف دیدگاه‌ها و بینش‌هایی که اغلب ناخودآگاه و بیان نشده هستند و موضوع مورد نظر را تحت تأثیر قرار داده و هدایت می‌کنند را می‌دهد و بدین ترتیب اجازه می‌دهد که طیفی از معانی مرتبط با موضوع مورد شناسایی قرار گیرد و موضوع را در داخل یک ساختار اجتماعی گسترده‌تر که در دورن آن احساس و تجربه می‌شود، قرار می‌دهد (Conway, 2012). به طور کلی تحلیل لایه لایه علی یکی از موفق‌ترین ابزارهای جدید در دسترس است و به طور وسیعی استفاده می‌شود. زیرا این روش فرصتهای زیادی را برای انعکاس، درک و تفکر جدید فراهم می‌نماید. از نقطه نظر ترکیبی، این روش تمایل به تأکید کم بر توسعه درونی فردی و تأکید زیاد بر عوامل فرهنگی دارد (Slaughter, 2008). لایه‌بندی به طور بالقوه می‌تواند منجر به بالاترین کیفیت آینده‌نگاری شود. لایه‌ها به این خاطر مهم هستند که ابعاد چندگانه‌ای برای واقعیت اجتماعی وجود دارند که در سطوح معرفت‌شناختی مختلف عمل می‌نمایند. برخی از این سطوح کم عمق و برخی دیگر عمیق هستند. به جای تمرکز بر درستی و نادرستی، سطحی بودن و عمقی بودن توصیف‌گرهای اصلی می‌شوند (Inayatullah, 2012). جیمز دیتور^۲ - رئیس برنامه آینده‌های بدیل در گروه سیاسی دانشگاه هاوایی - در خصوص روش مذکور چنین عنوان می‌کند: «این روش، نخستین نظریه و روش جدید و عمده آینده‌پژوهی پس از روش دلفی در تقریباً چهل سال پیش است. روش تحلیل لایه لایه علی یک روش بسیار مطلوب جهت طبقه‌بندی دیدگاه‌ها و ملاحظات مختلف درباره

• سطوح در تحلیل لایه لایه علی

تحلیل لایه لایه علی که نه برای پیش‌بینی آینده بلکه برای خلق فضاهای تحول ساز جهت خلق آینده‌های بدیل است و کمتر به پیش‌بینی یک آینده خاص می‌پردازد و بیشتر به گشودن فضای حال و گذشته جهت خلق آینده‌های بدیل می‌پردازد، شامل چهار سطح زیر است:

سطح اول: این سطح لیتانی^۳ نامیده می‌شود. دیدگاه بدون پرسش و معمول واقعیت است. سطح لیتانی واقعیت‌هایی را که اغلب بوسیله اخبار یا سایر رسانه‌ها برای اهداف سیاسی و اغلب اغراق‌آمیز ارائه می‌شوند، شناسایی می‌کند. این واقعیتها خالی از ارزش نیستند و چالش با آنها سخت می‌باشد. زیرا آنها به عنوان حقیقتی ارائه می‌شوند که متکی بر نظام، جهان‌بینی یا اسطوره هستند (Hoffman, 2012).

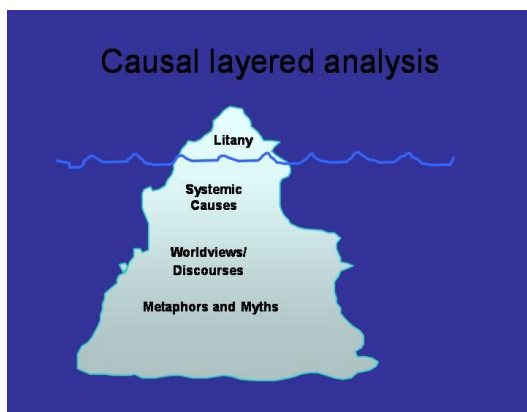
سطح دوم: سطح علل نظامند و اثرات آنها است. داده و اطلاعات لیتانی در سطح دوم شرح داده می‌شود و مورد پرسش قرار می‌گیرد. این سطح به اکتشاف عوامل اجتماعی، تکنولوژیکی، اقتصادی، محیطی، سیاسی و تاریخی مرتبط به موضوع مربوط می‌شود. در این سطح داده‌ها می‌توانند مورد سؤال قرار گیرند، اما پارادایمی که سؤال در داخل آن شکل می‌گیرد خود مورد پرسش واقع نمی‌شود. در این سطح از دولت، خبرگان دانشگاهی و سایر افراد انتظار می‌رود که مسأله را حل کنند (Hoffman, 2012).

سطح سوم: سطح گفتمان یا جهان‌بینی^۴ است. در این سطح فرض‌های عمیق‌تر، استدلالی، جهان‌بینی و ایدئولوژیک ناخودآگاه مشخص می‌شوند. در این سطح می‌توان به اکتشاف این امر پرداخت که چگونه ذی‌نفعان مختلف، لیتانی و نظام را می‌سازند. نکته کلیدی در سطح سوم این است که کدام موقعیت‌های عمیق‌تر، دیدگاه‌های پشت سر لیتانی و سیستم را شکل می‌دهند. ذینفعان چه کسانی هستند؟ چگونه جهان‌بینی و باورهای پیچیده آنها درباره خودشان، دیگران، آینده، زمان و فضا گفتمان‌های عمیق‌تری که در نهایت بحث را شکل می‌دهد، فراهم می‌نماید؟ این سطح در تعیین چگونگی مشروعیت یافتن دو سطح اول مهم و حیاتی است. وارد کردن یا حذف یک

گفتمان خاص در نهایت می‌تواند امتیازات خاصی را به موضوعات و سناریوهایی که مشخص می‌شوند اعطا نماید. این سطح به دیدگاه‌ها و معرفت‌شناسی‌های دیگر اجازه می‌دهد تا ادعا نمایند که سناریوها چگونه شکل می‌گیرند.

سطح چهارم اسطوره / استعاره^۵ است که ابعاد احساسی ناخودآگاه را بیان می‌دارد. چالش فراروی آن، انجام تحقیقات و حرکت در این لایه‌های تحلیل و در نتیجه در بر گرفتن شیوه‌های مختلف دانستن است. انجام این کار منجر به خلق آینده‌های بدیل معتبر و تحول یکپارچه می‌شود (عنایت اله، ۱۳۸۸، ص ۱۰). اسطوره‌ها تصویری از آینده خلق می‌کنند که کهن‌الگوی ناخودآگاه، ادراکات و جهان‌بینی و در نتیجه تجربیات افراد از دنیا را شکل می‌دهند. این سطح متکی به مفروضات فرهنگی و تمدنی خاص درباره ماهیت زمان، عقلانیت و عاملیت می‌باشد. از همه مهمتر، برای تحلیل و تغییر آینده ضرورت دارد تا اسطوره‌ها یا جهان‌بینی‌های خاص که تا کنون گرانبها بوده‌اند، از ذهن خارج شوند تا بدین طریق روش‌های جدید تفکر در مورد آینده یاد گرفته شود. (Hoffman, 2012)

در این روش موضوعات و مسائل به مثابه کوه یخی هستند (شکل شماره یک) که فقط بخش کوچکی از آن که همانا سطح لیتانی است، مشاهده می‌شود و لذا افراد بایستی در برنامه ریزی، سناریو نویسی و کارگاه‌های آینده پژوهی بر اساس توانمندی‌های خود نسبت به شناسایی سطوح پایین‌تر که به لیتانی معنا و مفهوم می‌بخشند، اقدام نمایند.



شکل شماره یک: موضوعات به مثابه کوه یخی

اما قدرت دیگران را به چالش می کشد و سلسله مراتب را از وضعیت های فئودالی و سنتی جدا می سازد (عنایت اله، ۱۳۸۸، ص ۱۰). کولین روسو عناصر مختلف در تحلیل لایه لایه علی را به شرح جدول شماره یک احصا نموده است.

در بررسی و تحلیل موضوعات و مسائل با استفاده از این روش، با حرکت به سوی اعماق - از لیتانی به سوی اسطوره و استعاره- عناصر و ابعاد مرتبط با تحلیل از نظر کمیت و کیفیت دچار تغییر می شوند. لذا استفاده کنندگان از این روش برای تحلیل آینده های مرتبط با موضوع بایستی نسبت به این تغییرات آگاهی کافی داشته باشند. جدول شماره دو نشانگر این تغییرات است.

نکته اساسی در روش تحلیل لایه لایه علی این است که این روش در صدد کنار زدن سطح بالای کوه یخ برای تحلیل پایین دریا نیست؛ در واقع به تمام سطوح نیاز است تا تحقیقاتی ارزشمند و متحول ساز انجام گیرد. به علاوه، در این حلقه داده، معنا، معرفت و اسطوره، مد نظر قرار می گیرد. اقدام در دل معرفت شناسی قرار دارد. در نتیجه ما به دنبال اتخاذ رویکردی به گزین و یکپارچه اما لایه ای به روش شناسی هستیم. این رویکرد مبتنی بر مفاهیم منحصر به فرد و خاص یک پژوهشگر خاص نیست. همچنین به سمت پسامدرن چرخش ندارد، که در آن تمام روش ها یا رویکردها دارای ارزش و اعتبار برابر هستند. سلسله مراتب از بین نمی رود و دید عمودی باقی می ماند.

جدول شماره یک: عناصر لایه های روش تحلیل لایه لایه علی

لایه اول	لایه دوم	لایه سوم	لایه چهارم
- روندهای کمی	- علل اجتماعی	- ساختار اجتماعی	- استعاره
- مسائل	- تعبیر	- زبانی	- اسطوره
- رویدادها	- تحلیل موردی	- فرهنگی	- داستان های عمیق
- موضوعات	- نقش مقامات	- گفتمان	- ناخودآگاه
- پیش فرضها	- شرح های فنی	- فرض های عمیق تر	- احساس بخشیدن به جهان بینی
- پیش داوری	- بدون پرسش	- نحوه بازنگری مساله	- طرح پرسش
- بدون پرسش		- تحلیل گفتمان جهت خلق راهبرد	- پرسش های معطوف به دگرگون سازی مساله و نیاز به راهبرد برای این پرسشها
		- سناریوها	
		- پرسش از مساله	

جدول شماره دو: وضعیت ابعاد مختلف در تحلیل لایه لایه علی

سطح اسطوره/استعاره	عناصر و ابعاد	سطح لیتانی
عمیق	سطح تحلیل	سطحی
زیاد	تنوع سناریوها	کم
بلندمدت	زمان (شکل گیری وضع موجود و پیش بینی سناریوهای بدیل)	کوتاه مدت
فرهنگی و مدنی	راه حل های سناریویی	ابزاری و سیاستی
زیاد	میزان مشارکت اجتماعی	کم
انتقادی	نوع دیدگاه	تجربی
غیر ملموس و درونی (قلبی)	تصور واقعیت	ملموس و بیرونی
پنهان	دانش	آشکار
اقناعی و غیر رسمی	اجرای سیاستها	دیکته ای و رسمی
پیچیده	پیچیدگی	ساده
دشوار	گام های اقدام	آسان

• جایگاه تحلیل لایه لایه علی در رویکردها و روش های آینده نگاری

برای درک بهتر جایگاه تحلیل لایه لایه علی در بین رویکردهای پیش‌بینی آینده و آینده‌نگاری، جدول شماره سه یک بررسی اجمالی از وضعیت‌های روش‌شناختی اصلی با بیان نقاط قوت و ضعف آنها صورت می‌دهد. بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که با توجه به کارکردها و نقاط قوت و ضعف هر یک از رویکردها، در برنامه‌های آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری ممکن است ترکیبی از رویکردها در مراحل مختلف مورد استفاده قرار گیرد.

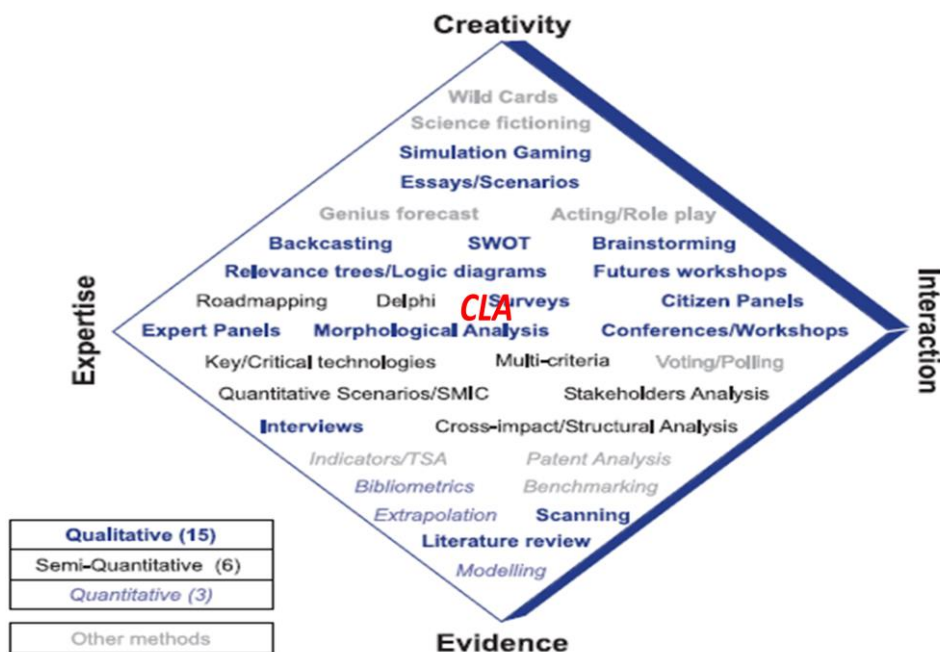
تحلیل لایه لایه علی یک متدولوژی است که تمامی دیدگاه‌ها را معتبر می‌شمارد و با نمایان کردن دیدگاه‌های مختلف و اغلب واگرا، امکان دیدن اینکه چگونه یک موضوع از طریق ادراکات و اسطوره بیشتر از واقعیت تعریف می‌شود را فراهم می‌سازد. مهم‌تر اینکه حرکت در بین سطوح درک عمیق‌تری از موضوع مورد نظر را ایجاد می‌کند و آنچه که عنایت‌اله بعد تحولی می‌نامد را مورد

توجه قرار می‌دهد. این امر برای ساختار شکنی که از طریق آن آینده‌های بدیل بتوانند مورد بررسی قرار گیرند و آینده‌های مطلوب خلق شوند، صورت می‌گیرد (Conway, 2012).

با توجه به اینکه تحلیل لایه لایه علی به عنوان یک روش و ابزار در بررسی موضوعات و تعیین سناریوهای آینده و تدوین چشم انداز مورد استفاده قرار می‌گیرد، لذا بر اساس مدل لوزی آقای پوپر در خصوص جایگاه روش های آینده پژوهی که بر اساس چهار معیار خلاقیت، مستند بودن، تعامل و خیره گوی تعیین گردیده شده اند، اگر چه ایشان روش تحلیل لایه لایه علی را در مدل خود ذکر ننموده است ولی بر اساس معیارهای مذکور و از آنجا که در این روش برای تحلیل موضوع و تدوین سناریوها هر چهار معیار با وزن نسبتاً مساوی می‌توانند نقش داشته باشند، لذا جایگاه این روش را در مدل مربوطه می‌توان به شکل شماره دو نشان داد.

جدول شماره سه: رویکردهای روش شناختی به پیش‌بینی آینده (Inayatullah, 2012)

رویکرد روش شناختی	قوت	ضعف
روش دقیق	تجربی و مبتنی بر خبرگان و اکتشافات علمی واقعی	تازه‌گی و نوظهوری کم می‌شود. زیرا که تجربه بر اساس ادراکات فعلی است. پارادایم حاکم به چالش کشیده نمی‌شود.
روش تشخیص عوامل حیاتی	تمرکز رویکرد بر عوامل حیاتی که توسط متفکران پیشرو تخمین و برآورد می‌گردد	همانطور که موضوعات نو پدید و سیگنال‌های ضعیف اغلب از بحث بیرون باقی می‌مانند، آینده نیز تقلیل داده می‌شود.
روش مناسب پسا ساختارگرایی	با زیر سؤال قرار دادن بافت معرفتی، مفروضات و بدیل‌های متفاوتی می‌توانند بروز یابند. به تعصبات اذعان می‌شود.	تا زمانی که عینیت به چالش کشیده می‌شود، هیچ راهکاری امکان‌پذیر نمی‌باشد.
روش ترکیبی و گزینشی	با استفاده از روش‌های متعدد، تغییر نرمال و زیاد را بهتر تشریح می‌نماید.	قضایوت در مورد اثربخشی آنها در تشریح تغییر دشوار است و روش‌های مختلف ممکن است چارچوب‌های معرفتی خیلی متفاوتی را بدست دهند.
روش لایه‌ای	رویکردهای متعدد مورد تصدیق قرار می‌گیرند اما به عنوان کم عمق و عمیق لایه‌بندی می‌شوند	دقت و ظرافت از دست می‌رود حتی در زمانیکه بینش به دست می‌آید. قضایوت در مورد ارزش نسبی تبیینی سطوح مختلف دشوار است.
روش تاریخی	با درک گذشته عمیق، طبیعت مسأله آینده بهتر درک می‌شود و بینش‌های بیشتری در بازه آینده امکان‌پذیر می‌گردد	گذشته اغلب راهنمای ضعیفی برای آینده است.



شکل شماره دو: تعیین جایگاه روش تحلیل لایه لایه علی در مدل پوپر

• **خاستگاه تحلیل لایه لایه علی**

روش تحلیل لایه لایه علی تا حد زیادی ناشی از نظریات پساساختارگرایی فوکو، تاریخ کلان گالتونگ، «لایه لایه بودن ذهن» سارکار و نوع شناسی آینده پژوهی اسلاتر است.

از نظر یوهان گالتونگ^۷ مفهوم کدهای تمدنی عمیق در زیر سطح اقدامات روزانه ملت‌ها قرار دارد. بنابر دیدگاه گالتونگ، به منظور درک واقعی روابط بین المللی باید به سطحی فراتر از مواضع رسمی و ملی برسیم و آنها را براساس ریشه‌های تمدنی‌شان درک کنیم. عنایت اله این دیدگاه را این گونه تصور می‌کند که ما باید به سطحی فراتر از اقدامات مرئی و محسوس ملت‌ها برسیم و به علل تاریخی اقدام و جهان بینی شکل دهنده به رفتار آنها و اسطوره‌های اولیه که تمامی معنا را شرح می‌دهند بپردازیم.

تحلیل لایه لایه علی عمدتاً الهام گرفته از تفکر پساساختاری و انتقادی و به خصوص کارهای فوکو می‌باشد (Riedy, 2008). از نظر میشل فوکو^۸ معرفت‌ها یا

به طور کلی تحلیل لایه لایه علی یکی از موفق‌ترین ابزارهای جدید در دسترس است و به طور وسیعی استفاده می‌شود. زیرا این روش فرصت‌های زیادی را برای انعکاس، درک و تفکر جدید فراهم می‌نماید. از نقطه نظر ترکیبی، این روش تمایل به تأکید کم بر توسعه درونی فردی و تأکید زیاد بر عوامل فرهنگی دارد (Slaughter, 2008). نقطه قوت این رویکرد این است که آزمایش بنیادی متدولوژی مورد استفاده و معمول را تقویت می‌کند و اینکه داده‌های ارائه شده تا حدی توسط روش مورد استفاده ساخت یافته است. بنابر این در این روش به آینده ارائه شده نسبت به دیدگاه تجربه‌گرایی علمی با شک بیشتری نگریده می‌شود. سپس دیالوگ معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی منجر به وضوح در مورد مفروضات اساسی می‌شود. بنابراین آینده ساخته شده می‌تواند براساس مفروضات متفاوتی باشد و آینده‌های محتمل و بدیل و سناریوهای متنوع‌تری شکل گیرند (Inayatullah, 2012).

• جعبه ابزار تحلیل پسا ساختارگرایی لایه لایه علی

هر چند که افراد نگرش انتقادی و پسا ساختارگرایی را به عنوان ضد روش در نظر می گیرند ولی در تحلیل لایه لایه علی تلاش در به کارگیری آن به عنوان یک روش است. با در نظر گرفتن پسا ساختارگرایی به عنوان روش، وجود «جعبه ابزار» پسا ساختارگرایی ممکن می گردد. جعبه ابزار آینده پژوهی پسا ساختارگرا که تحلیل لایه لایه ای علت ها از آنها گرفته شده است، شامل پنج مفهوم زیر است:

۱) ساختار شکنی: در این مرحله موضوعی که بتوان آن را مورد نقد قرار داد، انتخاب و به اجزای تشکیل دهنده آن تجزیه می شود و این پرسش مطرح می شود که چه چیزی محسوس و چه چیزی نامحسوس و نامریی است.

۲) تبارشناسی: این مفهوم به معنای تاریخ پارادایم ها است و تشخیص این امر است که کدام گفتمان ها غالب بوده اند و چگونه اصطلاح مورد مطالعه در گفتمان های مختلف سیر کرده است.

۳) فاصله گیری: فاصله گیری یک ارتباط نظری بین تفکر پسا ساختاری و آینده پژوهی ایجاد می کند و امکان حرکت جدا از قدرت، سیطره لیتانی و سطوح نظام مند واقعیت را فراهم می سازد.

۴) گذشته ها و آینده های بدیل: آینده پژوهی تنها بر آینده های بدیل تمرکز کرده است، اما در چارچوب انتقادی پسا ساختاری، گذشته نیز هم چون آینده مسأله ساز است و گذشته ای که حقیقت می پنداریم در واقع یک نوشتار خاص از تاریخ است. گذشته ها و آینده های بدیل آینده را آشکار می سازند و به خصوص در سطوح جهان بینی مفید هستند.

۵) نظام بخشی مجدد دانش: این مفهوم بر این امر متمرکز است که چگونه مقوله هایی خاص همچون «تمدن» یا «مراحل تاریخ» به دانش نظم و نظام می بخشند. نظام بخشی مجدد دانش با به چالش کشیدن دانسته ها و ندانسته ها و در واقع طرح این پرسش از ما جهت اکتشاف آن چه ما نمی دانیم که از آن

چارچوب های تاریخی دانش، در درک این امر که چگونه نامگذاری های خاص واقعیت تبدیل به امری طبیعی شده اند، نقش اساسی دارند. اگرچه فوکو کار خود را ضد روش شناسی می داند، ولی عنایت اله با کنار هم قرار دادن ساختار شکنی با تبارشناسی، یک روش شناسی چند لایه به وجود می آورد. از نظر عنایت اله آینده های بدیل و قرائت های بدیل از واقعیت، در گشودن محدودیت های مدرنیته مفید هستند، اما تنها تحقیق را در نسبی گرایی پسامدرن گرایی قرار می دهند و هر چارچوب کاری ارزشی معادل و برابر دارد.

به همین دلیل، تحلیل لایه لایه علی از حس عنایت اله در مورد اینکه برداشت پسامدرن از دیدگاه های متکثر ارزشمند بوده ولی برای کار آینده ها ناکافی است، نشأت گرفته است. آینده های بدیل و آینده های تفسیری از واقعیت در باز کردن عدم توانایی مدرنیته مفید هستند. اما فقط تحقیقات در نسبیت پسامدرنیسم صورت می گیرد و اینکه همه چارچوبها به طور مساوی ارزش دارند. عنایت اله به دنبال پرهیز از نسبیت پسامدرنیسم، مطرح می کند که «مفهوم واقعیت به صورت عمودی ساخت یافته است» (Riedy, 2008).

از نظر «پی آر سارکار»^۹ مفهوم واقعیت به صورت ساختاری عمودی بسیار مناسبتر از مفهوم پسا ساختاری گفتمان های افقی بدیل است. وی اذعان داشته که ذهن شامل لایه ها است. حرکت در بین لایه ها یک فرایند روشننگری اخلاقی و فکری است. حرکت عمیق تر در ذهن یک فرایند داخلی است که از طریق آن حقایق محقق می شوند.

در حوزه آینده پژوهی نیز تحت تأثیر نوع شناسی ریچارد اسلاتر^{۱۰} و تقسیم آینده پژوهی به انواع عامه پسند، حل مسأله و معرفت شناسی قرار گرفته است و اینکه می توان با استفاده از نوع شناسی های مختلف به یک روش شناسی رسید.

عنایت اله آینده پژوهی را به چهار بعد تحقیقاتی همپوشان تجربی، تعبیری، انتقادی و «تحقیق حین اقدام» تقسیم کرده است. هر بعد دارای فرض های متفاوتی درباره واقعیت، حقیقت، نقش فاعل، ماهیت جهان و ماهیت آینده دارد (عنایت اله، ۱۳۸۸، ص ۱۶-۱۳).

تهران تأثیرگذار می‌باشند، شناسایی و مورد بررسی قرار گرفتند و راهکارهایی که در هر کدام از سطوح برای کاهش جمعیت تهران می‌توانستند مدنظر قرار گیرند، ارائه شده است. سپس براساس دو سطح تحتانی (سطوح جهان‌بینی و اسطوره) دو پیشران عمده که بر مسأله افزایش یا کاهش جمعیت تهران در آینده موثر هستند و براساس عدم قطعیت آنها چهار سناریو برای آینده جمعیت تهران مدنظر قرار گرفته است.

اطلاعی نداریم، ظهور احتمالات جدید تحول و گذار را امکان پذیر می‌سازد.

تحلیل لایه لایه علی مسأله مهاجرت به تهران

برای بررسی مسأله جمعیت تهران و ورود مهاجرین جدید به آن، براساس روش تحلیل لایه لایه علی این موضوع در چهار سطح لیتانی، سیستمی، جهان‌بینی یا گفتمان و اسطور یا استعاره مورد تحلیل قرار گرفت و عواملی که در چهار سطح فوق بر مسأله حجم جمعیت

جدول شماره پنج: تحلیل لایه لایه علی مسأله مهاجرت به تهران

سطح تحلیل	موضوع یا مسأله	نمونه راهکارهای پیشنهادی
لیتانی	<ul style="list-style-type: none"> - جمعیت زیاد تهران - تمایل زیاد برای مهاجرت به تهران 	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد سیاستهای تشویقی برای خروج از تهران - ایجاد سیاستهای تحدیدی برای ورود به تهران
سیستمی	<ul style="list-style-type: none"> - سیستم آموزشی متمرکز و وجود دانشگاه‌های معتبر در تهران - تجمیع بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی و درمانی پیشرفته در تهران - وجود امکانات سرگرمی بیشتر در تهران (نظیر سینما، پارک، مراکز تفریحی و ...) - امکان درآمدزایی بهتر و بیشتر در تهران - مرکزیت سیاسی و اداری تهران - مناسب نبودن سایر مناطق به خصوص روستاها و شهرهای کوچک برای کار 	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد قطبهای دانشگاهی در مناطق مختلف کشور - ایجاد بیمارستانها و مراکز بهداشتی و درمانی پیشرفته در شهرستانها و تجهیز بیمارستانهای موجود آنها به امکانات پیشرفته جدید - اعطای وام‌های بلاعوض و بلند مدت برای احداث مراکز تفریحی و سرگرمی در شهرستانها - تقویت قدرت اقتصادی شهرستانها از طریق تضمین‌های مالی و اقتصادی دولت (نظیر خرید تضمینی، اعطای تسهیلات مالی، اعطای کمکهای فنی و ...) - عدم تمرکز اداری
گفتمان / جهان‌بینی	<ul style="list-style-type: none"> - رواج الگوی توسعه با رویکرد شهرهای صنعتی متمرکز و صنایع بزرگ - الگوی توسعه با تولید محصولات عصر صنعتی - مکان زندگی پیش مدرن (روستاها و شهرهای کوچک) در جهان پسامدرن کارکرد ندارد. - ایجاد زیرساختهای فرهنگی و بهداشتی در تهران موجب هجوم جمعیت به آن می‌گردد. - انسانها به جای آنکه ایجادکنندگان فرصت‌های جدید باشند، به عنوان مصرف‌کنندگان منابع، آلوده‌کنندگان محیط و دست و پاگیر در مواقع بحرانی هستند. - در جاهای کوچک‌تر مردم عادت دارند که در زندگی همدیگر دخالت کنند. - گرایش به مرکز برای زندگی بهتر و برخورداری از امکانات - استیلای مرکز بر پیرامون - آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی در شهر بزرگتر 	<ul style="list-style-type: none"> - الگوی توسعه با رویکرد صنایع کوچک و متوسط - گرایش بیشتر به تولید محصولات عصر فراصنعتی (اطلاعاتی و خدماتی) - تغییر کارکردها و روابط حاکم بر مناطق روستایی و شهرهای کوچکتر - رواج تفکر صنعت کلبه در مناطق روستایی و شهرهای کوچک
اسطوره / استعاره	<ul style="list-style-type: none"> - اگر می‌خواهی ماهی بزرگ بگیری به اقیانوس برو - تهران به عنوان سرزمین فرصت های اقتصادی و 	<ul style="list-style-type: none"> - در هر نقطه از کشور فرصت‌های خاصی نهفته است - کوچک زیباست

سطح تحلیل	موضوع یا مسأله	نمونه راهکارهای پیشنهادی
اجتماعی	تهرانی / شهرستانی (کلیه مناطق کشور به غیر از تهران)	رفاه انسانی در نزدیکی هر چه بیشتر با محیط طبیعی
	استفاده کاریکاتوری از لهجه‌های مناطق مختلف کشور	تنوع قومیتی و فرهنگی به تحرک اجتماعی بیشتر کمک می‌کند
	فیلیم‌ها و مناسبت‌های کم‌دی و صرفاً در برنامه‌ها،	آزادی واقعی در تعامل با محیط زیست بدست می‌آید.
تفریحی	شهر کارآمد، شهر زیست بومی	شهر کارآمد، شهر زیست بومی
	استعاره آب تهران	در دنیای جدید، کسب و کار و درآمدزایی وابسته به مکان
	تهران مهد آزادی اجتماعی و فرهنگی در کشور	جغرافیایی خاص نیست
	دولت می‌تواند مشکلات جمعیتی تهران را حل کند	

می‌گردد که یک کارمند دولت به خاطر رفتن به سایر شهرستان‌ها به طور طبیعی امتیازاتی را از دست می‌دهد که دولت موظف می‌گردد در ازاء دست دادن این امتیازات ما به ازاء دیگری از قبیل حقوق بیشتر، مسکن، امکانات بهداشتی و درمانی و ... برای جبران آنها پرداخت نماید. بدین ترتیب مزیت تهران بر سایر مناطق به طور رسمی و ضمنی پذیرفته می‌شود و این امر خود مشوق افراد سایر مناطق برای مهاجرت به تهران می‌گردد. علاوه بر این نوع برنامه‌های صدا و سیما و رسانه‌های جمعی و مطبوعات نیز که بیشتر بر ذهن ناخودآگاه افراد تأثیر می‌گذارند، مبنی بر ترویج نوعی زندگی خاص مرفه و دارای امکانات مختلف در تهران تقویت کننده اسطوره‌ها، استعاره‌ها و جهان بینی های مشوق مهاجرت به تهران خواهد بود.

تدوین چهار سناریو در موضوع مهاجرت به تهران بر اساس تحلیل لایه لایه علی

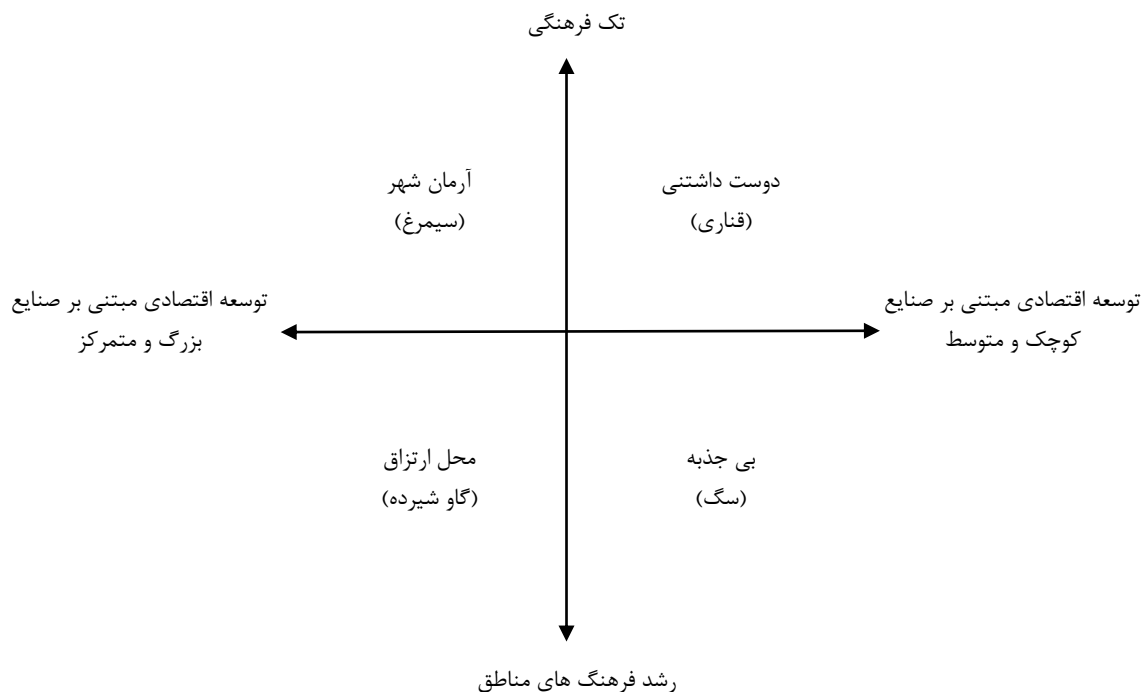
همانگونه که عنوان شد تحلیل لایه لایه علی موجب می‌گردد تا با حرکت به عمق لایه‌های مرتبط با مسأله یا موضوع مورد نظر، موضوع و ابعاد آن بیشتر شکافته شود و سناریوهای مربوط به آینده آن نیز بهتر و عمقی‌تر طراحی گردد. در این مقاله از میان پیشران‌های مختلفی که می‌توانند مسأله یا موضوع مهاجرت بی‌رویه به تهران و وجود جمعیت زیاد در تهران را تحت تأثیر قرار دهند، از سطح گفتمان یا جهان بینی دو پیشران براساس میزان اهمیت و عدم قطعیت آنها انتخاب گردیدند که عبارتند از:

- ۱) جهت‌گیری در مورد فرهنگ کشور
- ۲) الگوی توسعه کشور

نکته اساسی این است که با تحلیل لایه لایه علی موضوع مهاجرت به تهران، متوجه این موضوع می‌گردیم که اولاً تصمیمات و راهکارهای اتخاذ شده در مورد کاهش مهاجرت و یا جلوگیری از افزایش جمعیت تهران صرفاً مربوط به دو سطح فوقانی این تحلیل می‌باشد. ثانیاً برخی از تصمیمات و راهکارها که به ظاهر و با تحلیل سطحی می‌توانند به عنوان راه‌حلی جهت جلوگیری از افزایش جمعیت عمل کنند با تحلیل عمیق‌تر و رفتن به سطوح سوم و چهارم تحلیل می‌توان پی برد که اگر چه این راهکارها در سطح ظاهری می‌توانند موفقیت‌آمیز باشند ولی در سطوح پایین‌تر به طور معکوس عمل نموده و حتی از نظر کارکرد فرهنگی، ذهنی و قلبی مردمان سایر مناطق کشور را ترغیب و تشویق به مهاجرت به تهران می‌کنند. نمونه بارز این امر سیاستهای تشویقی است که در تصویب نامه‌های سالهای ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸ دولت در خصوص انتقال کارمندان دولت با سازوکارهای تشویقی از قبیل اعطای زمین و مسکن، افزایش حقوق، تبدیل وضعیت استخدامی نیروهای قراردادی به پیمانی، برخی امکانات بهداشتی و ... ذکر شده است. اگر چه اینگونه سیاست‌های تشویقی در ابتدای امر می‌تواند به تشویق برخی افراد جهت انتقال از تهران به سایر مناطق کشور مبادرت کند، ولی این تصمیمات موجب تقویت جهان بینی یا گفتمان‌ها (سطح سوم) و اسطوره‌ها یا استعاره‌های (سطح چهارم) موجود در خصوص لیتانی جمعیت تهران و مهاجرت به آن گشته و به این ترتیب بالاتر بودن جایگاه اقتصادی و فرهنگی تهران نسبت به سایر مناطق کشور تقویت گردیده و تمایل به مهاجرت به تهران افزایش یابد. به عنوان مثال این ذهنیت ایجاد

چهارسناریو به شرح زیر بر اساس این پیش‌بینی‌ها برای شهر تهران از جهت میزان مهاجری پذیری تدوین گردید:

این دو پیش‌بینی بر روی دو طیف و به صورت متقاطع به صورت شکل شماره سه ترسیم گردیدند و بدین ترتیب



شکل شماره سه: سناریوهای مرتبط با آینده مهاجرت به تهران

و ... و هم به دلیل اینکه تهران به عنوان منشأ و سرچشمه فرهنگ غالب مورد نظر می‌باشد، تمایلی به خروج از تهران نخواهد بود در حالیکه مردمان مناطق دیگر نیز مجذوب تهران گردیده و آرزوی زندگی در آن را خواهند داشت. بدین ترتیب اگر این سناریو حاکم گردد، حتی با وجود مشکلات موجود (از قبیل مشکل مسکن، آلودگی هوا، هزینه‌های زندگی بالا و صرف زمان زیاد برای رفت و آمد بین محل کار و زندگی) و حتی تشدید این گونه مشکلات، نه تنها جمعیت تهران و مهاجرت به آن کم نخواهد شد بلکه باید انتظار مهاجرت بیشتر به آن را نیز داشته باشیم. در این سناریو برای حل مسائل ناشی از جمعیت تهران عمده اقدامات بایستی در جهت حل مشکلات جانبی تهران صورت گیرد و مواردی نظیر گسترش فرهنگ زندگی آپارتمانی و مجتمع، ارائه خدمات الکترونیکی و ... مورد توجه قرار گیرد. همچنین نوع جهان بینی نسبت به انسان که صرفاً استفاده کننده از

سناریوی شماره یک: کشور به سوی تک فرهنگی می‌رود و در آن فرهنگ غالب که عمده‌تاً فرهنگ تهرانی است بر کل کشور استیلا می‌یابد. به نوعی که کلیه افراد مناطق مختلف کشور سعی در فراگرفتن و یادگیری فرهنگ غالب (تهرانی) نموده و فرهنگ کنونی حاکم بر خود را به کنار بگذارند. همچنین از نظر الگوی توسعه اقتصادی نیز حرکت جامعه تقریباً ادامه همان الگوی قبلی مبنی بر ایجاد مناطق اقتصادی متمرکز با تمام امکانات جانبی مربوط به آن در یک منطقه می‌باشد و عمده صنایع نیز صنایع بزرگ و حتی با تولیدات و محصولات بزرگ می‌باشد. در این حالت شهر تهران به عنوان یک شهر آرمانی برای مردم تمام مناطق کشور خواهد بود که در آن هم به دلیل وجود امکانات متمرکز سرمایه‌گذاری صنایع بزرگ و در نتیجه وجود بازار کار و سرمایه مناسب و پر قدرت و بازار بزرگ برای محصولات تولید شده و به تبع آن فراهم شدن امکانات بهداشتی، اجتماعی، تفریحی

ضعیف خواهد بود و برخی از کارکردهای فرهنگ در آن تضعیف خواهد شد. در این صورت لزوم استفاده از راهکارهای رسمی و ساختاری برای جایگزینی و ترمیم این کارکردها نمایان خواهد شد. همچنین ترکیب جمعیتی وارده به تهران از نظر جنسی، سنی و فرهنگی متفاوت خواهد بود و سیاست‌های اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی باید با توجه به آنها اعمال گردد.

با توجه به نوع کارکردی که تهران در این سناریو برای مردم کشور دارد و صرفاً به عنوان منبع ارتزاق به آن نگریسته می‌شود، از استعاره «گاو شیرده» استفاده شده است.

سناریوی شماره سه: در این سناریو الگوی توسعه اقتصادی به سوی استفاده از صنایع کوچک و متوسط و حتی صنعت کلبه حرکت می‌کند و بنگاه‌های کسب و کار کوچک و متوسط به عنوان موتور اصلی اقتصاد کشور عمل می‌نماید. از طرفی در بعد فرهنگی نیز جامعه به سوی تک فرهنگی و با غالب بودن فرهنگ تهران و تضعیف فرهنگ‌های سایر مناطق کشور حرکت می‌کند. در این سناریو از آنجا که امکان راه‌اندازی صنایع کوچک و متوسط در شهرهای کوچک‌تر وجود دارد و لزوماً نیازی به ایجاد و توسعه آنها در شهرهای بزرگ و صنعتی وجود ندارد و از طرفی کارکرد سنتی بخش کشاورزی نیز همچنان تمایل به حفظ بخشی از نیروی انسانی در دل خود دارد و حتی با تغییر تکنولوژی‌ها و سبک کشاورزی تغییر چندانی از نظر حفظ نیروی کار ایجاد نخواهد شد. لذا با توجه به هزینه‌های زندگی بالا و وجود برخی هزینه‌های سربار در شهر تهران، افراد از نظر اقتصادی تمایل به سرمایه‌گذاری و اشتغال در مناطق خود خواهند داشت، لیکن پیشران فرهنگی در جهت عکس عمل خواهد نمود و افراد به خاطر جذبه‌های فرهنگ تهران مجذوب آن خواهند شد. در این حالت مهاجرت مردم سایر مناطق به تهران نه به خاطر کارکرد اقتصادی این شهر که به خاطر کارکرد فرهنگی آن خواهد بود. بالطبع میزان مهاجرت به تهران و افزایش جمعیت آن با شیب ملایم‌تری همراه بوده و به میزان سناریوی اول نخواهد بود.

منابع و آلوده‌کننده محیط زیست می‌باشد تغییر یافته و مبتنی بر توانایی انسان در حفظ محیط زیست، ایجاد کننده فرصت‌های جدید برای طبیعت و فضای زندگی شکل گیرد و در کنار آن استفاده از انرژی‌های پاک، محصولات سبز و ... ترویج گردد و به طور کلی سبک زندگی در کلانشهر تهران تغییر یابد.

در این سناریو با توجه به جذابیت بسیار بالای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برای مردم کشور و ایده‌آل بودن آن و به عنوان یک آرمان شهر و شهر رویایی، از استعاره سیمرغ استفاده شده است.

سناریوی شماره دو: در این سناریو توسعه اقتصادی همانند سناریوی شماره یک مبتنی بر صنایع بزرگ و متمرکز و تولیدات صنعتی بزرگ می‌باشد ولی در زمینه فرهنگی و اجتماعی فرهنگ‌های سایر مناطق (از قبیل ترکی، کردی، عربی، بلوچی، لری، ترکمنی، اصفهانی، گیلکی و ...) تقویت گردیده و در کنار فرهنگ تهرانی نفوذ و استحکام می‌یابند. اینگونه فرهنگ‌ها در مناطق جغرافیایی تحت نفوذ خود به افراد آن مناطق هویت بخشیده و افرادی که متعلق به آن مناطق هستند، تلاش می‌نمایند هویت خود را حتی در صورت زندگی در شهر تهران نیز حفظ نمایند. در این سناریو تهران نه به عنوان آرمان شهر و شهر ایده‌آل بلکه به عنوان مکانی که صرفاً می‌تواند تأمین کننده نیاز شغلی و نیازهای اقتصادی مردم کشور باشد، مدنظر قرار می‌گیرد. در این صورت عمده مهاجرت به تهران جهت برآورده کردن نیازهای اقتصادی افراد صورت می‌گیرد و از نظر فرهنگی و اجتماعی تعلق چندانی وجود نخواهد داشت. نکته اساسی در این سناریو این است که میزان مهاجرت به تهران به نسبت سناریو اول کمتر خواهد بود و از طرفی امکان مهاجرت معکوس خصوصاً برای افرادی که دغدغه اقتصادی در سایر مناطق کشور ندارند و افرادی که میزان فعالیت‌های اقتصادی آنان در تهران و سایر مناطق تفاوت نمی‌کند وجود خواهد داشت. نکته دیگری که در این سناریو قابل تصور است عدم دل‌بستگی مهاجرین به تهران و عدم مشارکت فعال آنان در ایجاد و توسعه زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی شهر تهران خواهد بود. به عبارت دیگر، در این حالت چسب اجتماعی شهر تهران

با توجه به اینکه در این سناریو شهر تهران جاذبه اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی خاصی برای مردم نخواهد داشت و حتی با مشکلاتی همچون هزینه بالای زندگی، وجود برخی هزینه‌های سربار و برخی مسائل زیست محیطی نیز مواجه خواهد شد، لذا نه تنها افراد رغبتی به مهاجرت به تهران نخواهند داشت بلکه امکان مهاجرت معکوس از این شهر نیز وجود دارد. به همین خاطر این سناریو با استعاره سگ معرفی شده است.

نتیجه‌گیری

با مفروض قراردادن جمعیت تهران و میزان مهاجرت به آن به عنوان یک مسأله و با بررسی پیشینه‌های مربوط به راهکارهای ارائه شده برای حل آن، می‌توان پی برد که راهکارهای ارائه شده تا کنون با شکست مواجه شده و یا با توفیق نسبی بسیار پایینی همراه بوده است. عمده راهکارهای ارائه شده نیز با دیدگاه تجربه‌گرایی و عینیت‌گرایی مطرح شده‌اند. بدین ترتیب برای ارائه راهکارهای مؤثرتر در آینده نگاهی انتقادی به گذشته و حال و شکستن ساختارهای موجود که به این واقعیت عینیت می‌بخشند، ضروری به نظر می‌رسد.

با استفاده از روش تحلیل لایه لایه علی، می‌توان به لایه‌های درونی و زیرین بافتاری یک واقعیت که همانا مسأله مهاجرت و جمعیت زیاد تهران می‌باشد، می‌توان پایه‌های شکل دهنده و معنا دهنده به موضوع مهاجرت به تهران را زیر سؤال برده و از این طریق افق‌های جدیدتری برای برنامه‌ریزی‌ها و تعیین استراتژی‌های کاهش جمعیت تهران باز نمود. در این راستا با تحلیل مسأله در چهار سطح لیتانی، سیستمی، جهان‌بینی یا گفتمانی و اسطوره‌ای یا استعاره‌ای می‌توان راهکارهای جدیدی در سطوح بنیادی موضوع ارائه داد. همانگونه که بررسی شد برخی از سیاستهایی که تا کنون در سطوح لیتانی و سیستمی برای کاهش جمعیت تهران ارائه شده است، در سطوح پایین‌تر یعنی سطح جهان‌بینی و گفتمان و سطح اسطوره و استعاره معکوس عمل نموده و نه تنها انگیزه‌ای برای کاهش جمعیت تهران نبوده‌اند بلکه مشوق فرهنگی، روانی و احساسی برای مهاجرت به تهران ایجاد نموده‌اند.

در این حالت ترکیب جمعیت مهاجر نیز با دو سناریوی قبلی متفاوت خواهد بود و همچنین شدت نفوذ فرهنگ تهران در بین مهاجرین بالا بوده و می‌تواند کارکردهای قوی برای انسجام بخشی، تعیین رفتارهای اجتماعی و کنترل اجتماعی از خود بروز دهد.

در این سناریو با توجه به اینکه به شهر تهران به عنوان یک مرکز اقتصادی که می‌تواند مزایای بیشتری برای مردم نسبت به سایر مناطق داشته باشد، نگرینسته نمی‌شود و کارکرد اقتصادی آن برای مهاجرت و سکونت در آن مدنظر قرار نمی‌گیرد و حتی هزینه‌های زندگی افراد در تهران بیشتر از سایر مناطق می‌باشد، صرفاً افراد به خاطر جذابیت‌های فرهنگی و اجتماعی آن به این شهر روی می‌آورند، لذا از استعاره «قناری» برای این شهر در این سناریو استفاده شده است.

سناریوی شماره چهار: در این سناریو الگوی توسعه اقتصادی کشور بر مبنای صنایع کوچک و متوسط که امکان ایجاد و توسعه آنها به صورت غیرمتمرکز و پراکنده در مناطق مختلف کشور وجود دارد، حرکت می‌کند که در این حالت با توجه به اینکه از نظر اقتصادی هزینه ایجاد راه‌اندازی و توسعه واحدهای کسب و کار و هزینه زندگی در تهران بالاتر از سایر مناطق می‌باشد و مزیت اقتصادی خاصی را برای سرمایه‌گذاران و یا کارگران مشاغل مختلف ندارد، لذا تمایل به مهاجرت به تهران جهت سرمایه‌گذاری یا یافتن شغل بهتر کاهش می‌یابد. از طرفی نیز در این سناریو از نظر فرهنگی تقویت خرده فرهنگها از نظر شدت و میزان نفوذ موجب کاهش جذابیت فرهنگی تهران برای مردم سایر مناطق کشور خواهد شد. در نتیجه هر دو نیروی پیشران اقتصادی و فرهنگی در جهت عدم تشویق و ترغیب مردم جهت مهاجرت به تهران یا سکونت در آن عمل می‌نمایند و مردم کشور تمایل چندانی برای مهاجرت و سکونت در تهران نخواهند داشت. زیرا که مناطق مختلف کشور خود می‌توانند کارکردهای اقتصادی و فرهنگی مورد انتظار مردمانش را داشته باشند. در این حالت عمده برنامه‌ها و تلاش‌های مرتبط با مسأله جمعیت تهران به وضعیت جمعیتی موجود و نرخ رشد درونزای آن مربوط خواهد بود.

- Studies of an Integrative and Transformative Methodology), Tamkang University Press
- 7) Inayatullah, Sohail (2012). Humanity 3000: a comparative analysis of methodological approaches to forecasting the long-term, foresight, VOL. 14, NO. 5, pp. 401-417
 - 8) Lederwasch, A., Mason L., Daly J., Prior T. and Giurco D. (2011). A Vision for Mining and Minerals: Applying Causal Layered Analysis and Art, Journal of Futures Studies, 15(4), pp. 203 - 224
 - 9) Riedy, Chris (2008). An Integral extension of causal layered analysis, Futures, 40, pp. 150-159
 - 10) Slaughter, Richard A. (2008). Integral Futures Methodologies, Special issue of Futures, Vol. 40, No. 2, pp. 36-47

بدین ترتیب استفاده از روش تحلیل لایه لایه علی می‌تواند در درک عمیق و تعاملی سطوح مختلف موضوع افزایش جمعیت تهران کمک شایانی نماید. از طرفی با توجه به اینکه در این روش تأکید می‌گردد که سعی شود طراحی سناریوها در سطح جهان‌بینی و گفتمانی شکل گیرد، لذا در موضوع مربوط به این مقاله نیز چهار سناریو براساس دو نیروی پیشران فرهنگی و اقتصادی در نظر گرفته شدند. البته هر کدام از سناریوهایی که در سطح جهان‌بینی مطرح گردیده‌اند خود می‌توانند چندین سناریو را نیز در سطح سیستمی یا لیتانی پشتیبانی نمایند و از اینرو آینده‌های بدیل متعددی را در پیش روی تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران قرار دهد.

لازم به ذکر است که روش تحلیل لایه لایه علی روش مفیدی برای ایجاد چهارچوب تحلیلی در بسیاری از موضوعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و به خصوص موضوعات و مسائلی که با داده‌های کمی مرتبط نیستند، می‌باشد. البته روشی است که به توانمندی، تخصص و خلاقیت‌های مجریان وابستگی زیادی دارد و کاربران اینگونه روشها باید به توسعه فردی و فرهنگی توجه ویژه‌ای داشته باشند.

یادداشت‌ها

- ¹.causal Layered Analysis (CLA)
- ². James Dator
- ³. Litany
- ⁴. discourse/worldview
- ⁵. myth/metaphor
- ⁶. Colin Russo
- ⁷. Johan Galtung
- ⁸. Michel Foucault
- ⁹. P. R. Sarkar
- ¹⁰. Richard Slaughter

فهرست منابع

- ۱) قوانین و مقررات مربوط به انتقال از تهران
- ۲) عنایت اله، سهیل (۱۳۸۸). تحلیل لایه لایه علی علت‌ها: نظریه و موردکاوی های یک روش شناسی یکپارچه و متحول ساز آینده پژوهی (مجموعه مقالات)، ترجمه مسعود منزوی، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، جلد اول و دوم
- 3) Bussey, Marcus (2009). Causal Layered Pedagogy: Rethinking Curricula Practice, Journal of Futures Studies, 13(3), pp. 19 – 32
- 4) Conway, Maree (2012). Using Causal Layered Analysis to Explore the Relationship Between Academics and Administrators in Universities, Journal of Futures Studies, 17(2), pp. 37-58
- 5) Hoffman, Jeanne (2012). Unpacking Images of China Using Causal Layered Analysis, Journal of Futures Studies, 16(3), pp. 1-24
- 6) Inayatullah, Sohail (2004). The Causal Layered Analysis (CLA) Reader (Theory and Case